

جایگاه و حقوق سالمندان در خانواده و جامعه از منظر آیات و روایات

طاهره سادات طباطبایی* زهرا عباس پور**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰

چکیده

سالمندی پدیده‌ای جهانی است، که در آینده‌ای نزدیک به‌عنوان یکی از مهمترین چالش‌های اجتماعی و رفاهی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مطرح خواهد شد. با توجه به اهمیت مسأله سالمندی بررسی آموزه‌های دینی در خصوص وظیفه دولت، خانواده، و عموم مردم نسبت به سالمندان ضروری است. این تحقیق به شیوه توصیفی همراه با تحلیل محتوای آیات و روایات، و مبتنی بر مطالعه‌ی کتابخانه‌ای می‌باشد.

راهبردهای مطرح شده در منابع دینی برای تعامل با سالمند در حوزه وظیفه دولت: ارائه خدمات ویژه و حمایت از رفاه اجتماعی سالمند، اختصاص حقوق و دستمزد و مراکز ویژه سالمندان، و بهره‌گیری از توانمندی و تجربه آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های کشور و ایجاد کار در شأن آن‌ها می‌باشد. اما وظایف خانواده و عموم مردم عبارتند از: تعظیم، تکریم و احترام سالمندان، بردباری در مقابل خواسته‌های سالمند، گوش سپردن به سخنان وی، بهره‌مندی از تجربه سالمند و مشورت با وی، عدم موضع‌گیری در برابر سالمند، و مقدم شمردن معلم مسن در امر آموزش دینی و مذهبی.

واژگان کلیدی: خانواده، سالمند، وظیفه مردم، رفاه اجتماعی، وظیفه دولت.

* نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران، ۰۹۳۷۵۲۳۹۳۴۲،
tabatabaei.amin@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده علوم قرآنی تهران، ۰۹۱۲۵۴۵۵۹۴۷،
zahra.abbspour@gmail.com

طرح مسئله

با توجه به رشد روز افزون افراد سالمند در جهان، و در چند سال آینده در ایران، لزوم توجه به نیازهای سالمندان و پرداختن به موضوع سالمندی در حوزه‌های مختلف علمی و معارف دینی و پیشگیری از مخاطراتی که سالمندان را تهدید می‌کند اقدامی ضروری است که باید مورد توجه جدی مراکز علمی و پژوهشی قرار گیرد.

در کشورهای در حال توسعه، بالاخص کشورهای اسلامی که پایبند به اعتقادات دینی و فرهنگی هستند، سالخورده‌گی هنوز هم جزء مشکلات جمعیتی محسوب نمی‌شود، اما وضع زندگی ماشینی، مهاجرت‌های متعدد از روستا و شهرهای کوچک به بزرگ، کوچک شدن مساحت و فضای خانه‌ها و شاغل شدن زن و مرد در بیرون از خانه برای امرار معاش، اولاد کمتر و... موجب انزوای اجتماعی سالمندان و اختلالات روانی و رفتاری آنان شده است. در ظاهر تکنولوژی مدرن علاقه‌ای به سالمند ندارد.

در قرآن کریم و سیره ائمه اطهار ع در مورد چگونگی رفتار و تعامل با افراد سالخورده سفارش‌هایی ارائه شده است تا افراد جامعه، از جمله مسئولان و دولتمردان براساس آن‌ها رفتار خود را تنظیم کنند. این توصیه‌ها علاوه بر این که می‌توانند نقش راهبردی و جهت‌گیری کلی رفتار با سالمند را به ما نشان دهند سبب ارتقاء سلامت روحی و روانی او نیز می‌شود.

راهبردهای مطرح شده برای تعامل با سالمند را در سه حوزه می‌توان تقسیم‌بندی کرد؛ خانواده، عموم مردم (جامعه) و حکومت. البته در منابع اسلامی چگونگی رفتار و تعامل با والدین سالمند بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است اما روایات بسیاری هم رسیده که سالمند را به معنای عام مورد تفقد و تعظیم و تکریم قرار داده‌اند. در این تحقیق سعی بر آن است در دو حوزه حکومت و جامعه مطالبی را متذکر شویم.

قرآن با بیان ویژگی‌های انسان از نظر توانمندی در مراحل مختلف زندگی برای سه گروه پیام دارد؛ نخست: به جوانان هشدار می‌دهد که نیروی جوانی پایدار نیست، تا می‌توانند از این نیرو برای خودسازی استفاده کنند و برای دوره سالمندی برنامه‌ریزی کنند. به سالمندان نیز تذکر می‌دهد که ضعف‌ها و سستی‌های دوران سالمندی، سنت الهی و برنامه نظام آفرینش است. پس آن را به‌عنوان واقعیتی اجتناب‌ناپذیر، قبول کنند و خود را با شرایط آن سازگار کنند و در برابر مشکلات این مرحله بردبار باشند و گلایه نکنند. در پایان به عموم افراد جامعه و حاکمان و سیاستمداران نیز یادآور می‌شود که انسان در دوره سالمندی مانند دوره کودکی، ضعیف و ناتوان می‌شود و نیاز به محبت، دلجویی بیشتر و خدمات ویژه دولتی دارد.

پیشینه تحقیق بیانگر نوآوری مقاله حاضر است. زیرا در این راستا پژوهشگران تنها به مباحث سلامت و چگونگی پرستاری و مباحث زیست‌شناسی و تغذیه، پزشکی، روان‌شناسی پیری، جمعیت‌شناسی پیری پرداخته‌اند.

تنها مقاله‌ای که بارویکرد دینی به این مسأله پرداخته: «آداب تعامل مثبت با سالمندان براساس آموزه‌های قرآن و روایات» است.^۱ و هیچ پژوهشگری به حقوق سالمند از دیدگاه اسلام نپرداخته است.

۱. اثر زهرا عباسپور و دکتر طاهره سادات طباطبائی امین، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، ش ۴، ۱۳۹۸.

لذا مقاله‌ای مرتبط با سالمندی که به صورت اختصاصی، و نظام‌مند، تکالیف حکومت و مردم را بر اساس آموزه‌های دینی مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد. از این رو مقاله در پی پاسخ به این مسئله است که وظیفه جامعه و خانواده در قبال سالمند در آیات و روایات چیست؟ به عبارت دیگر: مردم و دولت چگونه می‌توانند در دوران سالمندی به افراد یاری برسانند؟

۱. مفهوم‌شناسی واژگان تحقیق

در ابتدا چند مفهوم مبنایی را به طور خلاصه بررسی می‌کنیم، این مفاهیم عبارت‌اند از:

۱-۱ سالمندی در لغت و اصطلاح

سالمندی، مفهوم پیچیده‌ای نیست ولی با توجه به دوره‌های گوناگون آن، در زبان عربی واژه‌های متعددی برای آن به کار گرفته شده است. در معجم‌های عربی، واژه «طفل» برای دوره خردسالی، «شاب» و «فتی» برای دوره جوانی، «کهل» برای فرد کامل و مُسن. (جوهری،: ۱۸۱۳/۵۱۳۷۶)، «شیخ» برای دوره میان‌سالی و بعد از آن، (ابن منظور،: ۱۴۱۴: ۳۱/۶-۶۲، فیروزآبادی،: ۳۶۳/۱۱۴۱۵) و «هرم» برای انتهای سالمندی و پیری- که همراه با فرتوتی و ضعف قوای جسمی و ادراکی است- به کار می‌رود. (ابن منظور،: ۱۴۱۴: ۶۰۷/۱۲)، واژه «عجوز» نیز که در لغت به معنای ناتوان است ولی به سالمند هم، چون نیرو و توان خود را در بیشتر کارها از دست داده و ناتوان شده است عجز می‌گویند، البته بیشتر کاربردش برای زن سالخورده می‌باشد. واژه‌های «مشیب، ذوشیب» و «کبیر» نیز بدون اشاره به سن خاصی برای بزرگسالی و سالمندی به کار می‌روند. (ابن فارس،: ۱۴۰۴: ۲۳۲/۳)

در اصطلاح علم پیری‌شناسی (Gerontology) سالمندی، فرایندی زیست‌شناختی است که زمینه‌ی برخی دگرگونی‌های طبیعی را در کالبد جانداران و کاهش نیروی آنان به‌ویژه انسان فراهم می‌آورد. (فروغ‌عامری،: ۱۱۱۳۸۰) در بعد روانی نیز به معنای فرسودگی تدریجی انسان است که موجب می‌شود طراوت و شادابی، عزم و اراده، اعتماد به نفس، قدرت خطرپذیری و احساس مفید و مولد بودن کاهش می‌یابد. (ری‌شهری، ۱۳۹۶: ۲۰) علمای فقه، سالمندی را با ناتوانی و تخفیف یارفع برخی تکالیف شرعی معادل دانسته‌اند. (عباسپور، ۱۳۹۸: ۱۸)

طبق سند ملی سالمندان کشور، در ایران عبور از سن ۶۰ سالگی، مرز سالمندی خوانده شده است و بر پایه افزایش سن و تغییرات و نقصان بیشتر، سالمندان به سه گروه: سالمند جوان (۶۰ تا ۷۵ سال)، سالمند پیر- میان‌سال (۷۶ تا ۹۰ سال)، سالمند خیلی پیر- کهن‌سال (۹۰ سال به بالا) دسته‌بندی می‌شوند. (سند ملی سالمندان کشور، ۱۳۹۶: ۲۸)

این دسته‌بندی، نشان می‌دهد که سالمندی لزوماً با فرتوتی مترادف نیست. بسیاری از سالمندان می‌توانند مانند دیگر افراد، فعالیت اقتصادی یا اجتماعی تمام یا نیمه‌وقت داشته باشد.

۱-۲ رفاه اجتماعی

به مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی که نیازهای فردی، جسمی، روانی و اجتماعی آحاد جامعه را تأمین کرده و در همه مردم احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وجود

آورد «رفاه اجتماعی» گفته می‌شود (هزارجریبی، صفری شالی، ۱۶۱۳۹۱:۱) وجود رفاه اجتماعی در هر جامعه، یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی آن جامعه و بازتولیدکننده توسعه آن تلقی می‌شود (هزارجریبی، صفری شالی، ۲۸۱۳۹۱:۲) همچنین رفاه اجتماعی اقشار مختلف جامعه به ویژه گروه‌های ضعیف و آسیب‌پذیر، اصیلترین و انسانی‌ترین مشخصه توسعه است. (زاهدی‌اصل، ۱۰۰۱۳۸۱:۱) پس کلیه تدابیر و راه‌حلهایی که به منظور تأمین رفاه همگانی ارائه می‌شوند و دربرگیرنده امکاناتی مانند بهداشت، خوراک، پوشاک، مسکن، کار، امنیت، آزادی، وسایل زندگی، اوقات فراغت و حتی وسایل تفریح و... برای همگان است می‌تواند از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی باشد. (به نقل از موسوی، ۱۳۹۵: ۱۹۰)

در تعالیم اسلام با تعبیر «تأمین اجتماعی» از این مقوله یاد شده است و یکی از مقوله‌های مهم حکومت به شمار آمده است. از دیدگاه اسلام، همه انسان‌ها در برابر بی‌عدالتی و فقر در جامعه مسئول‌اند و برای تحقق تأمین اجتماعی در جامعه اسلامی به دو بخش تدابیر حکومتی و فردی اشاره شده است. تدبیر حکومتی شامل مواردی از تأمین اجتماعی است که بر مبنای آن حکومت بخش از ثروت ثروتمندان را طبق ضوابطی (مانند زکات و خمس) دریافت می‌کند تا برای مصارف عمومی و رفع فقر هزینه کند. تدابیر فردی نیز شامل مصداق‌هایی از تأمین اجتماعی است که بر مبنای آن افراد به میل و اختیار خود (مانند صدقه، نذر، انفاق، وقف و ...) به نیازمندان کمک می‌کنند. (بی‌آزار شیرازی، ۲۱۳۶۳/۶۰-۴۴)

شاخص‌هایی که در ایران برای رفاه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، عبارت‌اند از: آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال جمعیت و نیروی انسانی، هزینه و درآمد تأمین اجتماعی. در کنار شاخص‌های اصلی، چند شاخص فرعی نیز برای رفاه در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله: گذران اوقات فراغت، دسترسی به تسهیلات فرهنگی، محیط زیست و امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جانی (مسعود اصل، ۱۳۸۸: ۹۰-۸۷)

از آنجا که سالمندان از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند و با توجه به این شاخص‌ها مفهوم رفاه برای اقشار و گروه‌های مختلف جامعه از جمله سالمندان متفاوت بوده و چگونگی دستیابی به امکانات رفاهی را از سوی این قشر، تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس از وظایف حکومت، تأمین رفاه اجتماعی، تضمین سطح زندگی آبرومندانه و امن و راحت، برای این قشر از جامعه می‌باشد.

۱-۳ بسامد قرآنی از واژه سالمندی و مفهوم آن در متون دینی

واژه «شَیْب» در سه آیه (مریم/۴، روم/۵۴، مزمل/۱۷) تکرار شده و واژه «شَیْخ» در ۴ آیه: (قصص/۲۳، هود/۷۲، یوسف/۷۸، غافر/۶۷)، واژه «کَبِر» در ۶ آیه: (بقره/۲۶۶، آل عمران/۴۰، ابراهیم/۳۹، الحجر/۵۴، اسراء/۲۳، مریم/۸)، واژه «کَهْل» در ۲ آیه: (آل عمران/۴۶، مائده/۱۱۰) واژه «عَجُوز» در ۴ آیه: (هود/۷۲، شعراء/۱۷۱، صافات/۱۳۵، ذاریات/۲۹) تکرار شده و ترکیب «أَرْدَلِ الْعُمُر» در ۲ آیه: (حج/۵، نحل/۷۰) و «وَهْنِ الْعَظْم» نیز در یک آیه: (مریم/۴) تکرار شده‌اند.

قرآن با کاربرد واژه‌های «شَیْب: سفیدی مو»، «شَیْخ: سالمند»، «کَبِر: بزرگ‌سالی»، «کَهْل: میانسال» و ترکیب‌هایی مانند «أَرْدَلِ الْعُمُر: پست‌ترین دوره‌ی زندگی»، «وَهْنِ الْعَظْم: سست شدن استخوان».

به سالمندی اشاره کرده است.

در احادیث نیز با کاربرد همین واژه‌ها و دیگر واژه‌ها مانند: «هَرَم»، «مُسْن» و ترکیب‌هایی مانند: «طویل‌العمر» و «ذوشیبه: ریش سفید» همسو با قرآن کریم هستند.

۲. وظایف دولت نسبت به سالمند

در تعامل دولت‌ها با سالمندان، حاکمان باید خود را ملزم بدانند که رفاه فردی، اجتماعی و حمایت‌های مادی و معنوی این قشر را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند. زیرا شخص سالمند در مقطعی از زندگی‌اش که جوان بوده و توانایی داشته، دولت و مردم از او بهره برده‌اند و حال که به دوره ضعف و سستی رسیده و یا از کار افتاده شده، دولت می‌بایست نیازها و احتیاجات او را برآورده کند. با افزایش تعداد سالمندان مسائل و مشکلات حمایتی، اجتماعی، توانبخشی و بهداشتی درمانی آنان نیز افزایش خواهد یافت. از وظایف دولت‌ها، تأمین رفاه اجتماعی، تضمین سطح زندگی آبرومندانه، امن و راحت، برای تمامی افراد از جمله سال‌خوردگان می‌باشد. حکومت وظیفه دارد در تأمین و رفع نیازهای مادی و معنوی آنان تلاش نماید و اجازه ندهد حقوق آنان پایمال شود.

۲-۱ ارائه خدمات ویژه و حمایت از رفاه اجتماعی و درمانی سالمند

دولت اسلامی وظیفه دارد هزینه زندگی و رفاه اجتماعی سالمند را تأمین کند و این وظیفه نه از باب ترحم، بلکه به دلیل حقی است که آن‌ها بر جامعه دارند. منشأ این حق آن است که سالمند در دوران جوانی و توانمندی، خدماتی به جامعه عرضه داشته، ولی در کِبَر سن و از کار افتادگی، قدرت جسمی لازم برای برطرف کردن نیازهای مادی خود را ندارد، از این رو دولت‌ها با ارائه خدمات ویژه و حمایت از رفاه اجتماعی، هم سبب قدرشناسی از سالمند است و می‌تواند تا اندازه‌ای از رنج آنان بکاهد و هم مایه‌ی دلگرمی کارکنان جوان کشور است تا با علاقه‌ی بیشتری، به خدمات خود به مردم و دولت، ادامه دهند. توجه آموزه‌های اسلامی به این موضوع حائز اهمیت است. قرآن کریم می‌فرماید: دختران حضرت شعیب گفتند: « وَ أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ » (قصص/۲۳) یعنی پدر ما دچار ضعف و ناتوانی گشته و سالخورده است و به تنهایی نمی‌تواند چهارپایانش را آب دهد از این رو دخترانش او را کمک می‌کنند. این نشانه‌ای است بر این که سالخوردگی خود عامل تخفیف در برخی از امور زندگی است. (محمدی، ۲۰۱۳: ۳۹۵) در این راستاست که هم خانواده و هم حکومت برای رفاه اجتماعی سالمند تلاش کنند. سالمند نباید دغدغه درمان و دارو داشته باشد و از آنجایی که هزینه درمان برخی از سالمندانی که بیماری خاص دارند بالا بوده و خانواده از عهده تأمین آن بر نمی‌آید؛ لذا دولت اسلامی موظف است تلاش بیشتری برای توسعه کمی و کیفی خدمات درمانی و توسعه مراکز ارائه خدمات درمانی، توانبخشی و مددکاری برای سالمندان و همچنین بهبود دسترسی به دارو و تجهیزات را به عمل آورد. همچنین یکی از خدمات ویژه برای سالمندان، آموزش و مهارت‌آموزی خود سالمند و همچنین مراقبین وی می‌باشد که گاهی نیازمند کمک حکومت برای ایجاد مراکز آموزشی و تأمین حداقل هزینه‌ها و نیازهای اساسی سالمندان با حفظ احترام و شأن و حرمت آنها می‌باشد.





۲-۲ تأمین حداقل حقوق و دستمزد برای سالمند

برنامه‌ریزی حکومت در راستای تأمین حداقل حقوق و دستمزد برای سالمندان علاوه بر اینکه موضوعی انسانی و اخلاقی است، می‌تواند تأثیر مثبتی بر روحیه جوانان شاغل به کار داشته باشد، چراکه آنان آینده خویش را در چهره سالمندان امروز مشاهده می‌کنند. در منابع روایی نقل شده که حضرت علی(ع) با مشاهده یک پیرمرد از کارافتاده، دستور می‌دهد خرج او از بیت‌المال پرداخت شود. (الطوسی، ۱۴۰۱: ۲۹۳/۶ ح ۸۱۱) این روایت نشان می‌دهد که تأمین حداقل حقوق برای سالمند از صدر اسلام مورد توجه بوده و می‌توان آن را از محل منابع بیت‌المال پرداخت کرد. پرداخت مستمری به سالمندان از بیت‌المال، نه به عنوان انفاق و بخشش، بلکه حقی برای ایشان به شمار می‌رود.

۲-۳ ایجاد کار در شأن سالمند

آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) می‌تواند مهر تاییدی بر اهمیت کار و تلاش باشد. گرچه سیاق این آیه، حاکی از بهره‌مندی انسان در قیامت از نتیجه سعی و تلاش خود می‌باشد، ولی معنای عام نیز از آن برداشت می‌شود که شامل کار و تلاش برای تمام افراد جامعه است. از نگاه اسلام بیکاری و عزلت‌گزینی برای هیچ‌کس و در هیچ دوره سنی تجویز نشده است هر انسانی در هر رده سنی باتوجه به توانمندی‌ها باید فعالیت داشته باشد. از دیدگاه پیامبر اکرم(ص) «کسی که بتواند کار کند ولی سربار جامعه باشد از رحمت خدا بدور است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲/۴۱۴) در این راستا از جمله انتظارات سالمندان از حکومت، ایجاد امور و کارهایی در شأن آنهاست. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که بیشتر سالمندانی که به‌گونه‌ای سرگرم کار هستند و از توانایی‌های خود در برخی کارها به طور شایسته بهره می‌گیرند، از روحیه و اعتماد به نفس بهتری برخوردارند و احساس رضایت بیشتری از خود دارند. (شیخی و جواهری، ۱۳۹۷: ۵۵) بنابراین داشتن فعالیت و اشتغال مفید و متناسب با روحیه‌ی سالمند، یکی از امور ضروری در این دوران است و شایسته است سالمندان دارای توانایی کار، به انجام کارهای سبک و در حد توان خود، تشویق شوند که این کار از نظر اقتصادی و روحی برای آنان سودمند است. دولت می‌تواند با فراهم آوردن شرایط اشتغال سبک و مناسب با توانایی‌های جسمی و روحی سالمندان در جهت تقویت اعتماد به نفس، شناخت مجدد استعدادها، بهبود وضع مالی آنها اقدام نماید. به عنوان مثال مشاغلی چون امور مشاوره و راهنمایی، مسئولیت پارک‌ها، نمایشگاه‌ها، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، ورود و خروج کارکنان، پخش بلیط و... کنار گذاشتن سالمندان و محدود کردن اختیارات و کاهش مسئولیت‌های آنها فقط باعث کاهش رضایت آنها از زندگی و تقویت این باور عمومی منفی در مورد ناتوانی و سربار بودن آنها است.

۲-۴ حفظ شأن و حرمت سالمند

حضرت امیرالمؤمنین(ع) در منشور حکومتی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «وَتَعَهَّد... وَ ذُو الرِّقَّةِ فِي السِّنِّ مِمَّنْ لَأَحِبُّلَهُ لَهُ وَلَا يَنْصِبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاءِ ثَقِيلٌ...» توجه کن به سال خوردگانی

که دستشان از همه جا کوتاه است و دست خواهش به سوی کسی دراز نمی کنند گرچه انجام این امور (درباره قشر محروم و نیازمند) بر زمامداران سنگین است (شهیدی، ۱۱۳۷۵/۳۳۶) تعبیر «دَوَى الرَّقَّةِ فِي السِّنِّ» اشاره به پیران از کار افتاده است و می تواند از این جهت باشد که «رَقَّت» گاه به معنی ضعف و ناتوانی و نازک دلی آمده؛ یعنی آن ها به سبب سن زیادشان ناتوان و افتاده شده اند و دیگر مانند جوان توانمند نیستند. عبارت «وَلَا يَنْصَبُ لِلْمَسَالَةِ نَفْسَهُ» اگر تنها وصف پیران باشد اشاره به این است که آن ها به واسطه ی کِبَر سن سؤال و تقاضا را در شأن خود نمی دانند و خود را در موضع گدایی قرار نمی دهند. (مکارم شیرازی، ۱۱۳۹۰/۶۷) همان طور که در قرآن کریم درباره گروهی از نیازمندان آمده است: «...لَا يَسْتُلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا» (بقره/۲۷۳) یعنی آنها چنان بزرگوارند که هرگز با اصرار از مردم چیزی طلب نمی کنند به این معنا که اگر هم سؤال کنند با لطف و خوشی است. در حقیقت کریم کسی است که قبل از درخواست، بخشش کند و دیگران را از ذلت طلب معاف کند. در ادامه ی روایت امام با توجه به توصیه هایی که درباره اقشار نیازمند جامعه بیان کرد، می فرماید: «ذَلِكَ عَلَى الْوَلَاهِ ثَقِيلٌ» این تعبیر شاید اشاره به این باشد که در کار نیازمندان دقت بیشتری انجام گیرد و این دقت با توجه به کثرت نیازمندان در جوامع انسانی کار سنگینی است.

پس شایسته است طبق فرمایش حضرت علی (ع) با شناسایی سالمندان نیازمند و با طبقه بندی آنان از نظر اقتصادی و اولویت سنجی، خدمات لازم در حد توانایی و امکانات کشور، از سوی حکومت به آنان ارائه و شأن و حرمت آنان نیز حفظ شود.

شواهد تاریخی بیانگر ضرورت نیازسنجی حکومت جهت حمایت از سالمندان است. در صدر اسلام، در میان «اهل صفه»، سالمندانی بودند که خویشاوندی نداشتند و پیامبر خرجی آنان را از بیت المال می پرداخت. سیره امیرالمؤمنین (ع) و دیگر ائمه معصومین (ع) نیز چنین بوده که شبها از فکر مستمندان، ضعیفان و سالمندان جامعه، آرام و قرار نداشتند. زمانی که مردم در خواب بودند، آنان با کوله هایی از غذا به سراغ پیران و بینوایان و نیازمندان می رفتند و آذوقه شان را فراهم می آوردند. (بافکار، ۱۳۸۱: ۴۲)

۲-۵ اختصاص مراکز ویژه برای سالمند

در دین ما بر تکریم سالمندان تأکید بسیار شده که لزوم فرهنگ سازی با توجه به آموزه های دینی در راستای خدمت به سالمندان امری ضروری است. تامین مسکن در شأن سالمند و مناسب سازی فضاهای شهری برای حضور سالمندان باید یکی از اولویت های مهم حوزه عمرانی و شهری باشد تا سالمندان بتوانند همچون سایر رده های سنی از خدمات شهری، ورزشی و تفریحی و زیارتی داخل شهر به راحتی و با کمترین مشکل استفاده کنند.

لازم به توضیح است مطلق بزرگسال بودن وظایفی را برای دیگران بوجود می آورد، اعم از اینکه این فرد سالمند، قوم و خویش باشد یا نباشد؛ اگر قرابت و خویشاوندی وجود داشته باشد، طبیعتاً رعایت حقوق هم بیشتر می شود. اما در مورد سالمندی که از خویشان و نزدیکان فرد نیست، نکته ای قابل تأمل است، که به امور معیشتی و زندگی سالمندان مرتبط است.

در این راستا حکومت شایسته است برای سالمندانی که به هر نحوی نمی توانند خانهای مستقل داشته باشند و یا در کنار خانواده زندگی کنند، مکانی مناسب با عنوان «سرای سالمندان» اختصاص دهد. لذا

بر مبنای اینکه بخشی از مصرف بیت المال برای قشر نیازمند و آسیب پذیر است، اگر واقعاً سالمندان مستقر در این مراکز، نزدیکان و فرزندان ندارند، حکومت می‌تواند بخشی از هزینه‌های این عزیزان را تقبل کند و این همان توجه و سفارشی است که امیرالمؤمنین(ع) درباره سالمند فرمودند: «أَنْفِقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ» (الطوسی، ۱۴۰۱/۶:۲۹۳)، که حکومت باید از این افراد حمایت و نیازهای آنان را تأمین کند. اما اگر این سالمندان دارای خویشان و فرزندان هستند، این‌گونه برخورد با آنان جز بی‌اعتنایی و کشتن روح عطوفت و مهربانی حاصلی نخواهد داشت. متن مفصل حدیث در مبحث (توجه به سالمند غیر مسلمان) خواهد آمد.

سالمند به دلیل ویژگی‌های جسمی و سنی خود انتظار دارد علاوه بر این که در کنار خانواده‌اش هست، مکان‌ها و فضاهای شهری ویژه، برای او در نظر گرفته شود که با روحیه و رفتار او سازگار باشد. سالمند در چنین مکان‌هایی می‌تواند به آرامش روحی برسد و با پرداختن به مطالعه و پر کردن اوقات فراغت، ورزش، تفریح و برقراری ارتباط عاطفی با هم‌سالان خود، رنج روزهای پیشین زندگی را از تن به در کند.

مدیران شهری باید فضاها و مبلمان شهری را طوری بهینه‌سازی کنند که نشان‌دهنده یک شهر دوستدار سالمند باشد. آن‌ها برای ایجاد انگیزه‌های لازم برای هم‌گرایی افراد سالمند، به ایجاد فضاهایی جهت اشتغال، فعالیت‌های ورزشی، تفریحی و فرهنگی در محلات مختلف، متناسب با سن و جنسیت و روحیه‌شان و برگزاری سفرهای زیارتی و سیاحتی بپردازند تا سالمندان بتوانند از این امکانات بدون صرف هزینه از جیب خود استفاده نمایند تا سطح سلامت جسمی، روحی و امید به زندگی در آنها بالا رفته و افسردگی و بیماری‌های ناشی از آن گریبان‌گیر آن‌ها نشوند.

۲-۶ بهره‌گیری از توانمندی سالمند در تصمیم‌گیری‌های کشور

آنچه بیشتر از حمایت‌های مالی می‌تواند موجب دلگرمی و مسرت سالمندان و از جمله بازنشستگان گردد، ایجاد احساس مشارکت و مفید بودن در آنان است. دولت‌ها می‌توانند با تدارک برنامه‌هایی خاص این احساس را در پیران به وجود آورند و همچنین از تجربیات ذی‌قیمت آنان در جهت بهبود بسیاری از امور کشور استفاده کنند. همان‌طور که رای و نظر پیران نزد حضرت علی(ع) دوست داشتنی‌تر از چاره اندیشی جوان است. «رَأَى الشَّيْخَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ حَيْلَةِ الشَّبَابِ» (ری شهری، ۱۳۹۳: ۴/۴۰) با این دیدگاه، مدیران و مسئولان نبایستی صرفاً از روی ترحم و دلسوزی به ارتباط با سالمندان مبادرت ورزند بلکه واقعاً آنان را مؤثر و مفید برای جامعه قلمداد کرده از فکر، نظر، تجربه آنان استفاده نمایند و تا پایان عمر با این افراد ارتباطی فعال و پویا برقرار نمایند.

۲-۷ توجه به سالمند غیر مسلمان

روایتی نقل شده که؛ «مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا هَذَا؟ فَقَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، نَصْرَانِي. فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ(ع) اسْتَعْمَلْتُمُوهُ، حَتَّى إِذَا كَبَرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ؟ أَنْفِقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ» (الطوسی، ۱۴۰۱: ۲۹۳/۶، ح ۸۱۱) از مقابل حضرت علی(ع) پیرمردی نابینا که در حال گدایی بود، عبور کرد. امیرالمؤمنین فرمود: این کیست؟ گفتند: یا امیرالمؤمنین! او یک نصرانی است. امیرالمؤمنین فرمود: او را به کار گرفتید تا پیر و ناتوان شد. آنگاه از او دریغ می‌کنید؟ از بیت‌المال به وی انفاق کنید

این روایت به روشنی دلالت دارد که حکومت اسلامی موظف به تأمین هزینه زندگی سالمندان غیر مسلمان است، این حق آن‌ها است، زیرا شخص در مقطعی از زندگی که توانایی داشته خدماتی را به جامعه عرضه کرده و بعداً اینکه از کارافتاده شد، حکومت موظف است در مقابل خدمات او نیازهای اساسی او را در دوره سالمندی برآورده کند. این، حق مسلم سالمندانی است که به جامعه‌ی اسلامی خدمت کرده‌اند.

از این رو، حکومت بدون ملاحظه اعتقادات مذهبی و گرایش‌های فکری سالمند، باید به آن پایبند باشد. از همین رو در کتاب «اقتصادنا» شهید صدر تصریح می‌کند که «برخی از فقها مانند شیخ حرّ عاملی فتوا داده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۶۶) که ضمانت دولت در برابر تأمین هزینه‌ی سالمند از بیت‌المال، به مسلمان اختصاص ندارد.» (صدر، ۱۳۹۳: ۶۶۸- به نقل از ری شهری، ۱۳۹۶: ۱۲۰) یعنی تفاوتی میان سالمند مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد و پیروان همه ادیان و مذاهب از این حق برخوردار می‌شوند.

۳. وظیفه خانواده، جامعه و عموم مردم نسبت به سالمند

در فرهنگ غنی ایرانی و همچنین در آموزه‌های دینی، احترام و حفظ کرامت سالمندان مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. سالمندان از برکات جامعه هستند و تعظیم و تکریم آنان موجب تحکیم ارزش‌ها و روابط اجتماعی است و سبب می‌شود که آنان از ضررها و لطمات روحی و روانی فاصله بگیرند و کمتر احساس تنهایی کنند.

از جمله رفتارهای شایسته‌ای که در روایات ائمه معصومین (ع) در تعظیم و تکریم پیران و سالمندان جامعه تأکید شده است می‌توان به این موارد اشاره کرد.

۳-۱ مقدم شدن در سلام کردن

سلام کردن، امری مستحب و نشانه دوری انسان از تکبر است. سلام کردن، بزرگ و کوچک ندارد و هرکس می‌تواند برای بهره‌مندی بیشتر از ثواب، ابتدا سلام کننده باشد، ولی بهتر است برای احترام به بزرگترها، همواره کوچکترها آغازکننده سلام باشند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «یَسْلَمُ الصَّغِيرُ عَلَی الْكَبِيرِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۴۶۳)

۳-۲ اکرام سالمندان در مجامع عمومی و خصوصی

اکرام بزرگسال یعنی او را نه تنها در ظاهر بزرگ شمردن بلکه او را در عمل هم عزیز و گرامی دانستن است، با احترام از او حمایت شود و حریم و حقوقش مورد تجاوز قرار نگیرد. از رفتارهای مناسب با بزرگسالان، تکریم و احترام آنان در مجالس، مهمانی‌ها و مکان‌های عمومی است.

در حکایتی آمده است؛ پیرمردی برای رفع نیازش نزد پیامبر (ص) آمد. کسانی که در محضر او بودند، احترامش نکردند و اطرافیان در گشودن جا برای پیرمرد کندی کردند. حضرت از این رفتار خلاف ادب آنان ناراحت شد و خودشان بلند شده و جا برای پیرمرد باز کرده و آنگاه فرمود: «از ما نیست کسی که بر خردسال ما رحم نکند و بزرگسال ما را تکریم ننماید» (وَرَامَ، ۱۴۱۰: ۱/۳۴)

از دیگر مواردی که عموم مردم در تعامل با سالمند لازم است رعایت کنند، جادادن افراد سالمند در

هنگام ورود به محافل خانوادگی و مجالس عمومی است و حتی برخاستن به قصد احترام ایشان و نشاندن آن‌ها بر صدر مجلس جزو مکارم اخلاقی به شمار می‌آید. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ...» (مجادله / ۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون شما را گویند در مجالس جای باز کنید، جای باز کنید تا خدا در کار شما گشایش دهد...

«تفَسَّحُوا» از ماده «فسح» به معنای مکان وسیع است، بنابراین «تفسح» به معنای توسعه دادن و یکی از آداب مجلس است که وقتی تازه واردی داخل می‌شود حاضران جمع و جور بنشینند، و برای او جا باز کنند؛ چرا که گاه تازه واردها از شما برای نشستن سزاوارترند؛ به دلیل کهولت سن، و یا احترام خاصی که دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۳۹/۲۳) این جا است که باید حاضران ایثار کنند و این ادب اسلامی را رعایت نمایند.

در فرهنگ اسلامی- ایرانی، وقتی بزرگی بر گروهی وارد می‌شود او را گرمی می‌دارند، این گرمی داشتن شامل؛ برخاستن از جای خود، ادای احترام و جا باز کردن و... می‌شود. اما متأسفانه این امر تا حدودی در جامعه امروزی ما بسیار کم‌رنگ شده است. حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: «مجلس را جز برای سه نفر نگشایند: سالمند به خاطر سنش، دانشمند به خاطر علمش و قدرتمند به خاطر قدرتش» (کلینی، ۲۱۴۰۷/۳۶۰)

۳-۳ مقدم کردن سالمند در سخن گفتن

از دیگر مصادیق تکریم سالمند در روایات، سخن نگفتن پیش از بزرگسال است. در روایتی از امام صادق ع نقل شده که می‌فرماید: دو مرد پیر و جوان نزد پیامبر (ص) آمدند و جوان پیش از پیر مرد شروع به سخن کرد، پیامبر ص فرمود: «اول بزرگ‌تر صحبت کند» (.....الطبرسی، ۱۴۱۸: ۲۹۴/۱)

وقتی با افراد بزرگسال سخن می‌گوییم، تلاش کنیم سخنان آنان را خوب بشنویم و گوش کنیم، اگر در جمعی سالمندی حضور دارد اجازه دهیم ابتدا وی سخن را آغاز کند و برای گفته‌ها و نظرات آن‌ها ارزش و احترام قائل شویم هرچند موافق نظر ما نباشد. خوب صحبت کردن با افراد سالمند، لحن، تن صدا، کلمات و جملاتی که ما استفاده می‌کنیم اهمیت دارد، همه‌ی اینها از مصادیق ادب اجتماعی و احترام به بزرگسال است.

۳-۴ گوش سپردن به سخنان سالمند

بزرگ‌ترها به دلیل تجربه‌هایی که دارند، حرف‌های ارزشمند منطقی برای گفتن دارند. از این رو، نباید از کنار

حرف‌های درست و منطقی آنان بی‌اعتنا گذشت. پس باید به حرف‌ها و درد دل‌های آنان به مهربانی گوش سپرد. گوش دادن فعالانه و موثر چیزی بیش از شنیدن ساده است و در واقع همدلی با سالمند است. همدلی با سالمند یعنی خودمان را جای فرد سالمند بگذاریم و بفهمیم که او در موقعیت‌های مختلف چه فکر یا احساسی دارد.

پیامبر اکرم (ص) همواره با افراد سالمند چنین بود. به حرف‌های آنان گوش می‌داد و به مهربانی

پاسخ می گفت. عدی بن حاتم طایی در احوالات رسول خدا(ص) می گوید: «به محضر پیامبر(ص) رسیدم، مرا به خانه اش برد. در بین راه، زنی سالمند و ناتوان سر راهش آمد و خواسته ها و حاجات خود را به پیامبر بیان کرد. در مدتی که آن زن سخنان خود را می گفت آن حضرت روی پا ایستاده بود و به حرف های او با دقت گوش می کرد و با کمال مهربانی به او جواب می داد.» (صحفی، ۱۴۸۱۳۶۲:)

۳-۵ مقدم شمردن سالمند در امر امام جماعت

یکی از شرایط حق تقدم امام جماعت «مسن بودن فرد» است. شخصی از امام صادق(ع) پرسید چه کسی امام جماعت باشد؟ امام صادق(ع) فرمود: «آن که قرآن بهتر می خواند؛ و اگر در قرائت یکسان بودند، آن که در هجرت مقدم تر است؛ و اگر در هجرت نیز یکسان بودند؛ آن که سنش بیشتر است؛ و اگر هم سن بودند، آن که به سنت داناتر و در دین فقیه تر است.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۳۷۶)

قابل ذکر است؛ مطلق سالمند بودن معیاری برای مقدم شدن سالمند در امر امام جماعت، مد نظر نیست بلکه علاوه بر برتری در قرائت قرآن و تقدم در اسلام که در روایت ذکر شده، معیارها و شرایط دیگری که برای امام جماعت بیان شده باید مورد توجه قرار گیرد.

۳-۶ رعایت حال سالمند در نماز جماعت

از دیگر سفارش های ائمه معصومین(ع) برای تکریم سالمند رعایت حال سالمندان در نماز جماعت است. کسی که پیش نماز می شود باید نماز را کوتاه و مختصر کند، زیرا ممکن است پشت سرش سال خورده و یا ناتوانی اقتداء کرده باشد.

حضرت رسول(ع) می فرماید: «هرگاه یکی از شما پیش نماز مردم می شود، نماز را کوتاه کند که میان آنان، خردسال و بزرگسال و ناتوان و بیمار هست و چون تنها نماز می خواند، هرگونه خواست، نماز بخواند.» (الحجج القشیری، ۱۴۱۲/۳۴۱) امام صادق(ع) نیز در مورد تعداد تکبیرهای نماز توصیه می فرماید: «وقتی تنها هستی، سه تکبیر کافی است و هرگاه پیش نماز هستی، یک تکبیر کفایت می کند؛ زیرا با تو [در میان مأمومان] افراد گرفتار و ناتوان و سال خورده نیز وجود دارند» (صدوق، ۲۱۳۸۵/۳۳۳)

۳-۷ پیشی نگرفتن از سالمند

وقتی بزرگسالی با ما زندگی می کند، باید مراقب حال او باشیم، چون دوره سالمندی همراه باضعف جسمانی، کم توانی و بیماری است در نتیجه بر سرعت، حرکت، فعالیت، حتی سرعت صحبت کردن، سنگین شدن گوش سالمند اثر می گذارد، لذا بر دیگران لازم است که سالمندان را با همین ویژگی ها مدنظر داشته باشند و در تعامل و رفتار با آنان خود را هم نیرو و در حد توان ایشان قلمداد کرده و از سرعت حرکتی، کلامی خود بکاهند، جلوتر از سالمند راه نروند و در راه رفتن بر ایشان پیشی نگیرند، در خوردن و آشامیدن آنان را مقدم بدانند. سبقت گرفتن در هیچ کاری بر بزرگسال جایز نیست؛ مثلاً اگر سفرهای گسترده است، مادام که بزرگان خانه، اعم از مرد یا زن، پیرمرد یا پیرزن، شروع به خوردن نکرده اند دیگران و کوچک ترها شروع نکنند. از ابن عباس نقل شده است؛ پیامبر در هنگام نوشیدن آب بزرگان را بر خود مقدم می داشت. «إِذَا سَقَى قَالَ: «بَدِّءُوا بِالْكَبِيرِ، أَوْ بِالْأَكْبَرِ» (الطبرانی،

۱۴۱۵: ۱۳۹/۴

امام سجاده (ع) می‌فرماید: «...در هیچ کار بر بزرگسال سبقت نگیرید و به هنگام راه رفتن از او پیشی نگیرید» یعنی پیشاپیش او راه نروی.د. (یثربی، ۱۳۹۰: ۴۰۱/۳)

۳-۸ عدم مجادله و موضع‌گیری در برابر سالمند

یکی از مصادیق تکریم سالمند این است که هرگز خود را با بزرگسال در موضع مخالفت و دشمنی قرار ندهی؛ (یعنی هنگام بگو و مگو و مجادله با ایشان کوتاه بیایی)، چراکه به‌طور طبیعی انسانی که عمری از او گذشته، انتظارات و توقّعات بیشتری از دیگران پیدا می‌کند و ممکن است به دلیل داشتن این روحیه طبیعی، همیشه خود را از دیگران طلبکار ببیند؛ که گاهی منتهی به عداوت و دشمنی و مخاصمه و درگیری می‌شود و چون احتمال دارد این روحیه، او را به سمت‌وسوی درگیری با دیگران بکشانند، طبعاً احترام او اقتضا می‌کند که دیگران با او درگیر نشوند و با او از در مخاصمه، جدل و دشمنی درنیایند.

امام سجاده (ع) می‌فرماید: «حق بزرگسال این است که، هنگام دشمنی، از رویارویی با سالمند بپرهیزی»، پس بهتر است درجایی که درگیری و جنگی بین افراد بزرگ‌تر و کوچک‌تر پیش می‌آید، افراد جوان‌تر به احترام سن و سال بزرگ‌تر، از موضع‌گیری در برابر آنان خودداری کنند و از اشتباه‌هایشان درگذرند. (یثربی، ۱۳۹۰: ۴۰۱/۳)

۳-۹ بهره‌مندی از تجربه سالمند و مشورت با وی

وجود پیر و سالمند چه در خانواده و چه در جامعه به مثابه آن است که به شخص بگویند این زمین با همه‌ی محصولی که داده در اختیار تو باشد و تا محصول از بین نرفته تمام محصول را برای خودت درو کن، حال اگر محصولی که تمام زحمات کاشت و داشت آن انجام شده و برای برداشت آماده است را در اختیار کسی قرار دهند غیرعقلانی است که آن را رها کرده تا گذشت روزگار آن را از بین ببرد. استفاده از تجربیات سالمند می‌تواند مصداق ره صد ساله را یک شبه پیمودن باشد.

وجود سالمند با تجربه در جامعه‌ی اسلامی نیز، مایه‌ی خیروبرکت است. چنین سالمندی حق دارد از افراد اجتماع خود انتظار داشته باشد و برای خود، حقوقی قائل شود؛ زیرا اجتماع سالم، آباد و آزاد امروز، نتیجه‌ی تلاش‌های بی‌منت و خالصانه‌ی افرادی هم چون اوست. بسیاری از جوان‌ها در برابر تجربه پیران و بزرگان احساس بی‌نیازی می‌کنند و بر اثر این پندار غرورآمیز، سال‌ها از عمر خود را در کسب تجربه‌ای می‌گذرانند که می‌توانستند سال‌ها پیش، بدون صرف وقت و به‌رایگان، آن را از بزرگان، بی‌منت به دست آورند.

هیچ‌کس بی‌نیاز از تجربه بزرگان و پیش‌کسوتان نیست؛ طبق فرمایش حضرت امیرالمؤمنین (ع) «کسی که خود را از تجربه‌ها بی‌نیاز بداند، سرانجام [امور] را نخواهد دید» (

تمیمی‌آمدی، ۶۳۰/۱۱۳۶۶) سالمندان، کوله‌باری از تجارب را بر دوش دارند. از این رو می‌توانند آن آموخته‌های گران‌بها را در اختیار جوانان قرار دهند که در هر تجربه‌ای نصیحتی نهفته است و بدین مناسبت بر حرمت و عزت خویش بیفزایند.

حضرت علی (ع) در روایتی می‌فرماید: «هر امر مشکلی [که کمک لازم دارد] به داشتن تجربه‌ها



نیازمند است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷/۷۵) کسی نمی‌تواند تمام کارها را خود تجربه نماید، بلکه بهتر است از حاصل تجربه دیگران استفاده کند. باید تجارب دیگران را مطالعه کند و راه و روش‌هایی که آنها طی کرده‌اند را بیاموزد و به رأی و نظرشان احترام بگذارد. حضرت علی(ع) تدبیر و اندیشه پیر را از دلیری جوان (سرعت عمل) بهتر می‌داند زیرا جوان بر اثر کمی تجربه ممکن است مغرور شده خود و یارانش را تباه سازد. (شهیدی، ۳۷۴/۱۱۳۷۵)

برای رعایت مسائل روحی سالمندان لازم است در مسائل مهم با ایشان مشورت شود تا احساس نکنند که دیگران آنان را ترک کرده‌اند. مشورت با بزرگسالان به نوعی معنای شخصیت دادن به کسانی است که صاحبان عقل و تجربه‌اند. حضرت علی(ع) صاحبان عقل و تجربه را برترین افراد برای مشورت کردن برمی‌شمارد. «خَيْرٌ مَنْ شَاوَرْتَ ذُوو النَّهْيِ وَ الْعِلْمِ وَ أَوْلُو التَّجَارِبِ وَ الْحَزْمِ» (تمیمی آمدی، ۶۳۰/۱۱۳۶۶)

حضرت علی(ع) علاوه بر اینکه مشورت کردن با جوانان را در رأس قرار می‌دهد، ولی توصیه می‌فرماید درباره آن موضوع با پیران جامعه هم رایزنی کنید تا عیبش را به سبب تجربه‌ای که دارند پیدا کنند. «هرگاه به مشورت نیازمند شوی، نخست به جوانان مراجعه نما، زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. بعد نتیجه آن را به نظر میان سالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، زیرا که تجربه آنان بیشتر است.» (ابن ابی الحدید، ۲۰۱۴۰۴/۳۳۷ح ۸۶۶) مشورت با کسانی که اهل تجربه‌اند می‌تواند انسان‌ها را از خطاهای گذشتگان مصون دارد و به درستی‌ها رهنمون سازد، در فرهنگ عامه نیز داریم که؛ «جز به تدبیر پیر کار مکن».

۳-۱۰ بردباری در مقابل خواسته‌های سالمند

مصدق دیگری از تکریم سالمند این‌که انسان باید افراد بزرگسال و سالمند را به منزله اهل بیت خود بداند «أَنْ تَجْعَلَ الْمُسْلِمِينَ بِمَنْزِلَةِ أَهْلِ بَيْتِكَ فَتَجْعَلَ كَبِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ وَالِدِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۶/۷۱) نباید توقعات زیاد و بی‌جایی از آنان داشته باشد، بلکه باید در همه امور او را احترام کند و اگر احیاناً به دلیل سن و سال بالا و ضعف قوای جسمی و روحی، سخن نامربوطی به زبانش جاری شد، که از سالمند انتظار ندارد، نباید با وی برخورد کند؛ باید گفتار و رفتار وی را تحمل کرده و پذیرا باشد و از واکنش سوء بپرهیزد.

امام سجاد(ع) می‌فرماید: «نابخردانه با بزرگسال برخورد نکنی؛ و چنانچه او جهالت ورزید، تحمل کنی» (یثربی، ۱۳۹۰: ۴۴/۳) البته بزرگ‌ترها هم باید به گونه‌ای آگاهانه رفتار کنند تا واکنش جوانان را در پی نداشته باشد، ولی بهتر است کوچک‌ترها به دلیل تقدّم بزرگ‌ترها در اسلام، در برابر نادانی‌ها یا توهین و اهانت‌های آنان صبور و بردبار باشند.

۳-۱۱ احترام نگه‌داشتن در امر آموزش به سالمند

بزرگسالان به واسطه شرایط جسمانی و روحی خاصی که دارند و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی، حافظه، نحوه فراگیری، تجارب آموخته‌شده و سایر جنبه‌های روان‌شناسی تفاوت‌هایی با کودکان، جوانان دارند که با در نظر گرفتن این شرایط آموزششان دارای ویژگی‌های خاص است. باید توجه داشت در آموزش یا تذکر و یادآوری مطالبی به بزرگسالان مراعات سن آنها بشود؛ رعایت احترام و



ادب در آموزش سالمند ضروری است.

در آموزش به سالمند باید مراقبت کرد که او را به خاطر ضعف و سستی که از ویژگی‌های این دوره است مورد تحقیر، تمسخر، سرزنش و عیب‌جویی قرار نگیرد. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۶/۳۳۴۴) اگر اشتباهی در اعمال و یا افکار سالمند ملاحظه می‌شود به‌طور صریح به او تذکر داده نشود و معایب و خطاهایش به رخ کشیده نشود. بلکه با لحنی خوشایند و بی‌غرض و غیر صریح اشتباهش تذکر داده شود. اگر بزرگسال مرتکب خطا شد غرور او را جریحه‌دار نکنید، زیرا نفس آدمی برایش عزیز و گرامی است و لذا اجازه نمی‌دهد کسی خدشه‌ای به آن وارد آورد.

در روایتی که از برخورد حسنین(ع) با پیرمرد جاهلی آمده (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۳۱۹) چند نکته نهفته است؛ اول اینکه تعلیم مسائل و ارشاد فرد ناآگاه، واجب است؛ اما اگر مستقیماً به پیرمردی گفته شود که: «وضوی تو، صحیح نیست»، گذشته از این که موجب رنجش خاطر او میشود، برای همیشه خاطره‌ی تلخی از وضو خواهد داشت پس حسنین(ع) تصمیم گرفتند غیر مستقیم، وضو را آموزش دهند. در واقع ایشان حیا کردند که این مطلب را مستقیماً به او بگویند. بلکه خود مشغول به وضو گرفتن شدند و از آن پیرمرد خواستند تا قضاوت کند که کدام یک درست‌تر وضو می‌گیرند. نکته بعد اینکه ایشان با رعایت احترام و ادب پیرمرد را امر به معروف کردند.

۳-۱۲ تقدم معلّم مسن در امر آموزش معارف دینی و مذهبی

در روایتی آمده است که دو برادر نامه‌های جداگانه‌ای به امام هادی(ع) نوشتند و از ایشان سوال کردند که معارف دینمان را از چه کسی فرا بگیریم؟ امام به هر دو نوشت: «فَاعْتَمِدَا فِي دِينِكَمَا عَلَي مُسِنٍ (کبیر) فِي حَبْنَا وَ كُلِّ كَبِيرٍ التَّقَدُّمِ فِي أَمْرِنَا...» (الکشی، ۱۴۰۹: ۵/۱) در دینتان به بزرگسالی که در را محبت ما (اهل بیت) و نیز هر کس که در امر ولایت تلاش فراوان کرده است، روی بیاورید. آنچه از این روایت می‌توان دریافت اینکه در امور دین به سالخوردگان عالمی که محبتشان نسبت به اهل بیت(ع) بیشتر است و کسانی که در ولایت اهل بیت سابقه بیشتری دارند (در این راه پیر و با تجربه شده است) اعتماد کنید و معارف دینی خود را از آنها کسب کنید. آنچه در این روایت کمتر بدان توجه شده، عبارت کل کبیر التقدّم فی حبنّا است که بر اساس آن می‌توان گفت: برای تحصیل علوم دینی و معارف اهل بیتی، معلّم مسن تر تقدّم دارد.

۴- نتیجه گیری

«بزرگی سن و سال» یک معیار ارزشی است و صرف بزرگسال بودن، فرد را شایسته احترام می‌کند در قرآن و منابع روایی در مورد تعامل با افراد بزرگسال و سالمند سفارش‌هایی ارائه شده است تا افراد جامعه و دولتمردان رفتار خود را براساس آن‌ها تنظیم کنند. این توصیه‌ها می‌توانند نقش راهبردی و جهت‌گیری کلی رفتار با سالمند را به ما نشان دهند.

تکریم سالمند توسط دولت و مردم موجب رضایت خاطر، شادابی و احساس امنیت اوست. همچنین پرخاشگری سالمند کمتر شده، عزت نفس وی بالا رفته، محبت و عواطفش نسبت به اطرافیان افزون تر می‌شود.

برخی راهبردهای مطرح شده در منابع دینی برای تعامل با سالمند در حوزه وظیفه دولت عبارتند از:

ارائه خدمات ویژه و حمایت از رفاه اجتماعی و درمانی به سالمند، اختصاص حقوق و دستمزد و مراکز ویژه برای سالمند، و بهره‌گیری از توانمندی و تجربه سالمند در تصمیم‌گیری‌های کشور و ایجاد کار در شأن آن‌ها می‌باشد.

اما وظیفه مردم نسبت به سالمند عبارتند از: تعظیم، تکریم و احترام سالمندان، بردباری در مقابل خواسته‌های سالمند، گوش سپردن به سخنان وی، بهره‌مندی از تجربه سالمند و مشورت با وی، عدم موضع‌گیری در برابر سالمند، و مقدّم شمردن معلّم مسن در امر آموزش دینی و مذهبی.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه: ترجمه: شهیدی، جعفر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چهاردهم، ۱۳۷۸ ش.
- صحیفه سجادیه: ترجمه: آیتی، عبدالمحمد، سروش، تهران، دوم، ۱۳۷۵ ش.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، «علل الشرائع»، کتابفروشی داوری، قم: ۱۳۸۵ ش
 ۲. ابن فارس، احمد، «مقاییس اللغه»، مصحح: هارون، عبدالسلام، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، اول: ۱۴۰۴ ق
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، سوم: ۱۴۱۴ ق
 ۴. ابوالحسین ورام، «تنبیه الخواطر و نزهة الناظر»، عطایی، محمدرضا، مکتبه الفقیه، قم: ۱۴۱۰ ق
 ۵. ابن ابی الحدید، (عبدالحمید بن محمد المعتزلی)، «شرح نهج البلاغه» تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث، دوم، ۱۳۸۷ ق.
 ۶. ابراهیمی، مهدی، «نگاهی به پژوهشهای رفاه اجتماعی در ایران با تمرکز بر مقالات علمی-پژوهشی در دوره زمانی ۹۳-۱۳۸۰»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵، ص ۵-۳۷، بهار ۱۳۹۴ ش
 ۷. بافکار، حسین، «سایبان مهر»، مرکز پژوهشهای صدا و سیما، قم: اول، ۱۳۸۱ ش
 ۸. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، «رساله نوین، احکام و موضوعات اقتصادی، ترجمه بخشهایی از تحریر الوسیله امام خمینی» تهران، ناشر انجام کتاب، تهران، اول، ۱۳۶۳ ش
 ۹. بهرامی، فاضل و رضائی فرانی، عباس، «بهداشت روان سالمند در قرآن و حدیث»، فصلنامه سالمندی، ش ۱۱، دوره ۴، بهار ۱۳۸۸ ش.
 ۱۰. بذرافشان، شهرزاد، «حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی سالمندان»، کنفرانس جهانی افق‌های نوین در علوم انسانی، آینده پژوهی و توانمند سازی، ۱۳۹۴ ش
 ۱۱. البخاری الجعفی، محمد، «صحیح البخاری»، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، چهارم، ۱۴۱۰ ق.
 ۱۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد، «غرر الحکم و درر الکلم» مصحح: رجائی، سید مهدی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۶۶ ق
 ۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، «الصحاح»، مصحح: عطار، احمد، بیروت: دارالعلم الملايين، اول ۱۳۷۶ ق.
 ۱۴. حاجی نژاد، علی محمد، «حمایت از افراد کهنسال در فقه اسلام و حقوق کیفری ایران»، موسسه حقوق و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۷ ش
 ۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، قم: موسسه آل‌البیته (ع)، «بَابُ أَنْ نَفَقَةَ النَّصْرَانِيِّ...» اول: ۱۴۰۹ ق
 ۱۶. خاشکی، رضا، «جایگاه و تصویر سالمندان در فرهنگ مردم»، مجله فرهنگ، ش ۲، ص ۸۹-۱۰۴



۱۷. خرمشاهی، بهاء‌الدین، کامران فانی، ابراهیم طاهری، احمدصدرحاج سیدجوادی، «دایره‌المعارف تشریحی»، بی‌جا، شهید سعید محبی، سوم، ۱۳۷۵ ش
۱۸. زاهدی اصل، محمد؛ «مبانی رفاه اجتماعی»، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران: اول، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. سند ملی سالمندان کشور، مصوب ۱۳۹۶ ش
۲۰. شیخی، محمدتقی و جواهری، محمود، «سالمندان و خدمات اجتماعی در ایران»، فصلنامه جمعیت، ج ۲۳، ش ۹۵ و ۹۶، صفحات ۵۱-۷۰، ۱۳۹۷ ش
۲۱. صدر، محمد باقر، «اقتصادنا»، قم، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، ۱۳۹۳ ش.
۲۲. صفحی، محمد، «تعالیم آسمانی اسلام»، قم: اهل‌البیت، دوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. طباطبائی، محمدحسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات، دوم: ۱۳۹۰ ق.
۲۴. الطبرانی، ابوالقاسم، «المعجم الاوسط»، تحقیق: طارق بن عوض، القاهرة: دارالحرمین، ۱۴۱۵ ق.
۲۵. الطبرسی، علی بن حسن، «مشکاة النوار فی غرر الاخبار»، تحقیق: مهدی هوشمند، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۱۸ ق
۲۶. الطوسی، محمد بن الحسن، «تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه»، تحقیق: موسوی الخراسان، حسن، بیروت: دارالتعارف، اول: ۱۴۰۱ ق.
۲۷. عباس پور، زهرا، «آداب و آثار تعامل مثبت با سالمندان بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی»، دانشکده علوم قرآنی تهران، ۱۳۹۸
۲۸. عباس پور، زهرا، طباطبائی امین، طاهره سادات، «آداب تعامل مثبت جامعه با سالمندان بر اساس آموزه‌های دینی»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، ش ۴، ۱۳۹۸ ش
۲۹. علی پور، حسن، «سالمندی و تاثیر آن در احکام فقهی»، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ ش.
۳۰. فروغ عامری، گلناز و فاطمه گواری، طاهره نظری و پوران افشارزاده، معصومه رشیدی نژاد، «تعاریف و نظریه‌های سالمندی»، نشریه حیات، دوره ۸، ش ۳-۴، ۱۳۸۰ ش.
۳۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۱۵ ق.
۳۲. قائمی، علی، «خانواده و مسائل سالمندان»، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۹ ش
۳۳. قطب، سید، «فی ضلال القرآن»، بیروت، دارالشرق، سی و پنجم، ۱۴۲۵ ق.
۳۴. کلینی، محمد، «الکافی»، مصحح: غفاری علی‌اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۳۵. الکشی، محمدبن عمر، «(اختیار معرفة الرجال) رجال الکشی»، محقق: طوسی، محمد، دانشگاه مشهد، اول، ۱۴۰۹
۳۶. مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، مصحح: جمعی از محققان، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۷. محدثی، جواد، «اخلاق معاشرت»، قم، بوستان کتاب، دوم: ۱۳۹۳ ش.
۳۸. محمدی، مهدی، «حقوق سالخوردگان در فقه و حقوق ایران»، قم، دانشگاه اصول دین، ۱۳۹۵ ش
۳۹. محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمه»، قم: موسسه دارالحدیث، چهاردهم، ۱۳۹۳ ش.
۴۰. محمدی ری شهری، محمد، «حکمت‌نامه سالمند و اندرزنامه جوان»، قم: موسسه دارالحدیث،



- اول، ۱۳۹۶ش.
۴۱. مسلم الحجاج القشیری، ابوالحسین، «صحیح مسلم»، محمد فواد عبدالباقی، القاہرہ، دارالحدیث، اول: ۴۱۲ق
۴۲. مصطفوی، حسن، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، دارالکتب العلمیہ، بیروت، سوم: ۱۴۳۰ق
۴۳. مسعود اصل، ایروان، «نظام رفاه اجتماعی در جهان: مطالعه تطبیقی»، تهران، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های، اول: ۱۳۸۸ش.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، دهم: ۱۳۷۱ش.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، «پیام امام امیرالمومنین(ع)»، بخش بیستم، قم: امام علی بن ابی‌طالب، اول: ۱۳۹۰ش.
۴۶. معتمدی، عبدالله، «نقش رویدادهای زندگی در سالمندی موفق»، علوم اجتماعی و انسانی، ش ۴۵ ۱۳۸۴ش.
۴۷. موسوی، میرطاهر؛ محقق کمال، حسین؛ وامقی، مروثه؛ رفیعی، حسن؛ صحاف، رباب؛ محمدی، محمد علی؛ محمدی، مهدی؛ جغتایی، فائزه؛ ابعاد، «مؤلفه‌ها و نشانگرهای رفاه اجتماعی سالمندان: در جستجوی یک شاخص ترکیبی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۱۶، ش ۶۰، بهار ۱۳۹۵ش.
۴۸. هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا، «آناتومی رفاه اجتماعی»، تهران: جامعه و فرهنگ، ۱۳۹۱ش
۴۹. یربی، محمد؛ «سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام»، تهران: نگین، ۱۳۹۰ش.